

قضاء الصلاة:

قضای نماز:

س ۱۳۱/ هل يصح أداء صلاة نافلة مستحبة لمن عليه قضاء صلاة واجبة، وما هي النافلة التي لو دخل فيها وذكر في أثنائها أن عليه فريضة استأنف الفريضة؟

پرسش ۱۳۱:

آیا به جا آوردن نماز نافله مستحب برای کسی که قضای نماز واجب برعهده اش می باشد صحیح است؟ و در چه صورتی اگر داخل در نماز نافله شود و در حین نماز به یادش بیاید که برعهده اش نماز واجب است، باید نماز را با نیت نماز واجب دوباره شروع کند؟

ج/ يجوز أن يصلي نافلة إذا كان عليه قضاء صلاة واجبة غير مترتبة على الحاضرة، أما إذا كان عليه قضاء صلاة واجبة مترتبة على الحاضرة فيجب عليه قضاءها قبل أن يصلي النافلة أو الواجبة الحاضرة. ولو صلى الحاضرة وفي أثنائها ذكر الفائتة المترتبة عليها عدل إليها، أما لو صلى نافلة وذكر الفائتة لم يعدل بل يتم النافلة ثم يستأنف الفريضة الفائتة فيقضئها.

پاسخ:

به جا آوردن نماز مستحبی برای کسی که قضای نماز واجب برعهده اش است جایز می باشد، در صورتی که قضای نماز واجب، مترتب بر نماز حاضر نباشد. اما اگر قضای نماز واجب که مترتب بر نماز حاضر است برعهده اش باشد، واجب است که او قبل از به جا آوردن نماز نافله یا نماز واجب حاضر، قضای آن را به جای آورد و اگر نماز حاضر را شروع کرد و در اثنای آن نماز فوت شده مترتب بر نماز حاضر به یادش آمد باید از نیت نماز حاضر به نیت نماز فوت شده برگردد؛ ولی اگر وارد نماز نافله شد و در اثنای آن، نماز فوت شده به یادش آمد نباید از نیتش برگردد، بلکه باید نماز نافله را تمام کرده، سپس نماز واجب فوت شده را قضا نماید.

س ۱۳۲/ إذا كنت في سفر والصلاة فيها قصر ولم أصل صلاة الظهر والعصر بسبب السفر وعندما وصلنا إلى البيت كان الوقت غروباً، فكيف أقضي الصلاة قصراً أو تماماً؟

پرسش ۱۳۲:

اگر من در سفر باشم و نمازم شکسته باشد و نماز ظهر و عصرم را به سبب مسافرت نخوانم و هنگامی که به منزل برسم وقت غروب باشد، چگونه باید قضای نمازم را به جا آورم، شکسته یا تمام؟

ج/ ما فات يقضى كما فات، فلو أن وقت المغرب حل في السفر أي قبل الوصول تقضي ما فات قصرا ولو أن وقت المغرب حل بعد الوصول وقبل أداء الصلاة تقضى تماما.

پاسخ:

آنچه فوت شده همان گونه که فوت شده است باید قضا شود؛ بنابراین اگر هنگام غروب در حین مسافرت -یعنی پیش از رسیدن- فرا رسیده باشد، باید نماز فوت شده را به صورت شکسته قضا کنی، و اگر زمان مغرب پس از رسیدن شما به خانه و پیش از ادای نماز فرا رسیده باشد، قضای نماز را باید به صورت تمام به جا بیاوری.

س ۱۳۳/ مطلوب صيام كثير، أيام كان في عافية وكذا الصلاة، والآن هو في غير عافية لأخذه العقاقير كعلاج، فما حكم القضاء أو الكفارة؟

پرسش ۱۳۳:

شخصی روزه‌های بسیاری برای قضا کردن دارد؛ از روزهایی که در سلامت بوده است و همچنین نمازهای بسیار. اکنون بیمار است و در حال درمان. حکم قضا و کفاره آنها چیست؟

ج/ المريض الذي في ذمته قضاء صلاة وصيام أيام كان في عافية إذا كان يرجو الشفاء من مرضه يتربص حتى يشفى ويقضى ويكفر، وإذا كان يكفر بإطعام مساكين فيجب عليه المبادرة حتى قبل الشفاء بإطعام المساكين، وإذا كان مرضه مزمنًا ولا يستطيع الصيام فيدفع الفدية المعلومة عن كل يوم (٤/٣ كغم) من الطعام. أما الصلاة فيقضيها بما يتمكن من جلوس أو غيره بحسب ما يسمح حاله أو مرضه.

پاسخ:

بیماری که قضای نماز و روزه روزهای سلامتی بر گردن دارد، اگر امید به بهبودی دارد پس

از بهبود یافتن آن را قضا کند و کفاره بدهد و اگر می‌خواهد با اِطعام مسکینان کفاره دهد بر او واجب است که حتی قبل از بهبود یافتن اقدام به اِطعام مسکینان نماید. اگر بیماری او مزمّن است و نمی‌تواند قضای روزه را به جای آورد فدیّه مشخص که برابر با سه چهارم کیلوگرم طعام به ازای هر روز می‌باشد بدهد. اما در خصوص نماز، به هر صورت که می‌تواند قضا کند؛ نشسته یا به هر وضعیتی که حالش یا مریضی‌اش اجازه می‌دهد.

س ۱۳۴ / المريض الذي قد يسلب مرضه فكره ويسبب له اختلاطاً في معرفة أوقات الصلاة والأحكام، هل تبقى الصلاة واجبة عليه ويقضي هو عن نفسه إن شفي أو ابنه الأكبر إن مات وهو على حالته المذكورة ؟

پرسش ۱۳۴:

بیماری که بیماری‌اش گاهی اوقات فکرش را از او می‌گیرد و باعث اشتباهاتی در فهم اوقات و احکام نمازش می‌شود، آیا در چنین وضعیتی نماز واجبی بر عهده‌اش باقی می‌ماند و اگر بهبود یافت، خودش یا اگر در چنین وضعیتی مرد، فرزند بزرگش قضا کند؟

ج/ إذا كان يعي وجوب الصلاة عليه فيجب عليه أن يصلي ضمن الحدود التي يتمكن الصلاة بها وقد بينها في الشرائع وغيرها، أما إذا كان المرض قد غلب عليه بحيث فقد الوعي ولم يعد يميز حتى إن كان مستيقظاً أن الصلاة واجبة عليه فهذا يكون حاله كالمجنون والمغمى عليه من جهة سقوط الأداء والقضاء عنهما.

پاسخ:

اگر واجب بودن نماز بر خودش را به یاد داشته باشد، بر او واجب است با توجه به آنچه برایش مقدور می‌باشد نماز بخواند - که در کتاب شرایع و جاهای دیگر بیان کرده‌ام؛ اما اگر بیماری‌اش آنچنان بر او غالب می‌شود که هوشیاری‌اش را از دست می‌دهد و حتی هنگامی که بیدار است تشخیص نمی‌دهد که بر او نماز واجب است، وضعیت چنین شخصی از نظر ساقط شدن به جا آوردن و قضای نماز، همانند دیوانه و بیهوش می‌باشد.

س ۱۳۵ / التارك للصلاة غير المستحل لتركها يعزر، كم يكون تعزيره ؟

پرسش ۱۳۵:

تارك الصلّاتى كه ترك نماز برایش حلال نیست تعزیر می‌شود. تعزیر او چگونه است؟

ج/ هذه أحكام لا يقوم بها إلا الإمام أو من يُعيَّنه لإقامتها وتعزيره
كم يكون للإمام ولمن ينصبه لهذا الأمر.

پاسخ:

این احکام را کسی جز امام یا کسی که امام تعیینش کرده باشد اقامه نمی کند، و تعزیر آن - که چه مقدار است - فقط به دست امام یا کسی که از طرف امام برای این موضوع منصوب شده است، می باشد.

* * *